

سیرجان‌ها در شب چله

سپس مصرع نخست هر دو بیتی خوانده می‌شد و تا عدد چهل پیش می‌رفت. چون از روی محفوظات راوی بود، ترتیبی این میان رعایت نمی‌شد و به احتمال و بخت اقبال بود که چهلمین دوبیتی چه باشد.

این میان صاحب فال نیز بی‌کار نمی‌نشست و وظیفه داشت مصرع‌های آغازین خوانده شده توسط دوبیتی‌خوان را بشمرد تا وقتی به چهلمی رسید، اعلام کرد.

مصرع چهلمی می‌سد فال کسی که تفال زده بود و تمام رباعی همراه با حدس و گمان‌ها پیرامون تفسیرش می‌شد فال طرف.

در میان دوبیتی‌ها موضوع شب چله نیز گاهی مطرح شده است.

مثل نمونه‌ای که در ابتدای این مطلب ذکر شد و یک نمونه‌ی دیگر که در اینجا می‌آوریم و به نوعی آرزوی همنشین شدن اتفاقی عاشق با معشوق در شب چله اینجا بیان گشته و جلوه یافته است:

شب چله برای یار خوبه

برای دیدن دلدار خوبه

برای دیدن دلدار جونی

بده بستون بی‌آزار خوبه

نمونه‌ی دیگر از سنت دوبیتی‌خوانی سیرجان که در آن ذکر از شب یلدا شده است این مورد است که آن را برای حسن ختام مطلب‌مان می‌آوریم:

شب چله میایم پشت بونت

خدا آسون کنه خواب گرونت

اگر چرخ و فلک بر من نخنده

به شادی می‌زنم بوسه لبونت

بنابراین چنین سرگرمی جالبی می‌تواند در شب چله‌ی سیرجانی‌ها احیا شود و دمی هم که شده جوان‌ها را از پشت گوشی جذب دورهمی و دل دادن به شعر و سروده‌های کهن فارسی کند. یلداتان مبارک.

فال چله‌بیتوی سیرجانی‌ها در شب یلدا

فال چله‌بیتوی سیرجانی‌ها در شب چله

بریم چله‌نشینی

به پیش اون که دل‌تنگه پسینی

انار هم بشیم دونه به دونه

بشیم هندونه‌ی هم توی سینی

این دوبیتی قدیمی سیرجونی یکی از چندین دوبیتی شفاهی عامیانه است که با موضوع جشن شب چله و سنت مهمانی یلدا و شب‌نشینی آن در سیرجان میان مردمان قدیم رد و بدل و خوانده می‌شده است.

جشنی که برای زایش دوباره خورشید(مهر) می‌گرفتند و در واقع به نوعی شب احیایی برای مردمان باستان بوده است که باور داشته‌اند در این شب پس از جدالی بلند، ایزد روشنی بر اهریمن تاریکی غلبه می‌کند و از این طریق از پس طولانی‌ترین شب سال، دوباره روزهای کوتاه شروع می‌کنند به بلند شدن.

این میان دوبیتی‌خوانی هم یکی از رسوم اجرایی مردمان خانه‌های گنبدی سیرجان بوده. شهری سابقن پر از بادگیر و با اصالت که هنوز کلمه‌های پارسی قدیمی مثل «پرسه» و «پسین» و «سور» و «نایسار» و... در آن رواج دارند.

این مردمان در بلندترین شب سال هم‌گرد هم می‌آمدند و شب را با هم و در کنار هم صبح می‌کردند. چون گوشی همراه هم برای سرگرمی و ارتباط‌گیری نبود، آدم‌های هر جمع در قدیم به واقع کنار هم بودند و دلشان جای دیگری نبود.

سرگرمی‌های زیادی در این شب به جز شکستن تخمه و خوردن مسقطی و قوتو و پسته و کلمپه وجود داشت. هندوانه و انگور را از تابستان در زیرزمین‌های خانه‌شان محفوظ می‌داشتند و انار هم که فصلش بود.

بین آن جمع که سواد بی‌شمار خوانی و حافظ‌خوانی و قصه‌های هزار و یک شب و گاهی امیرارسلان نامدار و سمک عیار و حسین کرد شبستری

خوانده می‌شده و در کنارش هرکس از روی محفوظات خود قصه‌ای می‌گفته و یا خاطره‌ای شیرین و خنده‌دار تعریف می‌کرده است.

در این میان سنت دوبیتی‌خوانی که با آن تفال هم می‌زده‌اند نیز میان جمع‌ها در سنت چله‌نشینی رواج داشته است. گوینده بیشتر زنان میانسال و سالخورده بوده‌اند که از طرف جوانان عاشق‌پیشه‌ی طایفه دوره می‌شده و مورد استقبال قرار می‌گرفته‌اند. دوبیتی‌خوانی راوی شفاهی با نام خدا و ذکر اولیا آغاز می‌شد:

اول نام خدا را یاد کردم

دوم نامم به نامت یا محمد

که سوم یاد مولا شاه مردان

دل ناشاد خود را شاد کردم

